



یکمرتبه چند هزار دنبال کننده به ما اضافه شد. خب، حالا شبکه اجتماعی ای به وجود آمده بود که اساساً برای به اشتراک گذاشتن عکس ایجاد شده بود نه متن و تقریباً در تمام کشور فراگیر شده بود. صفحه «اوری دی گلشهر» با همین رویکرد به سرعت جایش را در بین مخاطبان باز کرد که حالا بیشتر از ۱۰۰ هزار دنبال کننده دارد؛ «به طور طبیعی توی اینستاگرام هم دنبال فضایی برای انتشار عکس هایمان بودیم. بعد از مدتی رسیدیم به همین ایده «اوری دی گلشهر». خب، این صفحه با الگوبرداری از صفحات مشابهی بود که در همه جای جهان وجود داشت. همان شب اول سه عکس را بارگذاری کردیم. همین طور ادامه دادیم تا اینکه خیلی ناگهانی یکی از مدیران صفحه اصلی اینستاگرام را دنبال کردیم و باب گفتگو و آشنایی مان هم باز شد. این را هم بگویم که توضیحی را که ما زیر عکس هایمان می نوشتیم، به دو زبان فارسی و انگلیسی بود؛ یعنی ما تیم ترجمه داشتیم و خیلی با دقت و درست سعی می کردیم توضیحاتی را بدهیم که علاوه بر مخاطب ایرانی، مخاطب خارجی هم به راحتی متوجه فضای عکس بشود. یک روز بلند شدم و دیدم مثلاً دنبال کنندگان ما که تا آن روز حدود ۳ یا ۴ هزار نفر بودند، یکمرتبه شدند ۷ هزار نفر. آن دوره اصلاً فکر نمی کردم کسی می تواند مثلاً پیشنهاد دنبال کردن صفحه ای را توی صفحه دیگری بدهد و «نشانه» بگذارد و این اتفاقات معمول الان را خیلی درباره اش نمی دانستم. دنبال کنندگان صفحه همین طور داشتند زیاد می شدند تا اینکه بعد از چند روز متوجه شدم که همان مدیر اینستاگرام، صفحه ما را دنبال کرده است و همین موضوع باعث افزایش دنبال کنندگانمان شده بود.»



که در همه کشور، مهاجرانی هستند که در تهران و اصفهان و قم و سایر شهرها و مناطق زندگی می کنند ولی قطعاً به اندازه گلشهر فضای زنده و پویایی ندارند. اغلب سرشان توی لاک خودشان است و ارتباطات اجتماعی گسترده ای ندارند و در واقع آن قدر متمرکز نیستند. ابتدای کار آمدم پروژه ای تعریف کردیم به اسم «۱۲۰ ساعت عکاسی» که هر جمعه صبح از ساعت ۶ صبح تا ۶ بعد از ظهر، با موبایل عکاسی می کردیم. چند نفر را انتخاب کردیم که ذوق داشتند و مستعد بودند. مکان های مختلفی را رصد کرده بودیم، حتی می رفتیم مؤسسات مختلف داخل گلشهر و آنجا عکاسی می کردیم. بخشی از وقتمان را عکاسی می کردیم و بخشی دیگر را به نقد و بررسی عکس ها می گذرانیدیم. آن موقع فیس بوک شبکه اجتماعی همه گیر دنیا بود که همه بچه ها از آن استفاده می کردند. با خودمان گفتیم این طوری که نمی شود خودمان برای خودمان عکاسی کنیم. باید فضایی برای انتشار عکس هایمان ایجاد کنیم. یک راهش صفحات فیس بوک بچه ها بود. یک روز را مشخص کرده بودیم که عکس ها را بگذاریم توی صفحه و وقتی وقته ای در کار پیش می آمد، با جوی که ایجاد شده بود، برخی دوستان پیام می دادند که «چرا عکس ها را نمی گذارید؟ پس چی شد؟ ما منتظریم.» واقعاً همین موضوع باعث انگیزه ما شده بود. از کابل و شهرها و حتی کشورهای دیگر پیام می دادند. جلسه چهارم و پنجم بود که به شبکه اجتماعی «اینستاگرام» وارد شدیم؛ شبکه ای که تقریباً باعث تحول گروه شد.»

جغرافیای گلشهر منحصربه فرد است

چند نفر جمع شدیم تا با همین اندیشه جلو برویم و بعد از آن به دنبال جغرافیایی بودیم که از آن عکاسی کنیم. دیدم اطراف ما منبعی وجود دارد به اسم «گلشهر» که می توانم بگویم تقریباً در تمام ایران منحصر به فرد است

عکاسی با موبایل تقریباً اوایل دهه ۸۰ فراگیر و تبدیل به یک جریان بزرگ هتري شد که حالا در سراسر دنیا جشنواره ها و آدم های مشهور مختص به خودش را دارد و البته حساسیت ها هم برای عکاسی کردن با موبایل در مقایسه با دوربین عکاسی به مراتب کمتر بود. این موضوع، حیدری را بر آن داشت تا مبنای تولید عکس را تلفن همراه بگذارد و نتایج حیرت انگیزی به دست بیاورد؛ «چند نفر جمع شدیم تا با همین اندیشه جلو برویم و بعد از آن به دنبال جغرافیایی بودیم که از آن عکاسی کنیم. دیدم اطراف ما منبعی وجود دارد به اسم «گلشهر» که می توانم بگویم تقریباً در تمام ایران منحصر به فرد است؛ البته

